آکواریوم [əˈkwɛəriəm] n آکواریوم

آکواریوم ساختمانی است که ماهی و حیوانات زیر آب در آن نگهداری می شود.

→ ما سفری به آکواریوم کردیم و کوسه ای ترسناک دیدیم.

خودسرانه

دلخواه [ˈɑːrbitreri] adj. خودسرانه

اگر چیزی دلخواه باشد ، بر اساس هیچ طرح یا سیستمی نیست ، بنابراین تصادفی به نظر می رسد.

→ کلاس بسیار قوانین خودسرانه ای داشت که مرا گیج می کرد.

زندگینامه

اتوبیوگرافی [ətəbaiˈɒgrəfi] n. زندگینامه

زندگینامه یک داستان واقعی از زندگی یک شخص است که توسط آن شخص نوشته شده است.

→ من یک زندگی نامه درباره سرگرم کننده مورد علاقه خود خواندم.

قرارداد

Convention [kənˈvenʃən] n. قرارداد

کنوانسیون رفتاری است که امری عادی یا مودبانه تلقی می شود.

→ در ایالات متحده ، یک کنوانسیون محبوب این است که هنگام ملاقات با کسی دست دهید.

بخشنده

gracious [regreiʃəs] adj. بخشنده

اگر کسی لطف کند ، پس مهربان است و به کسانی که به آن نیاز دارند کمک می کند.

→ اپراتور آنقدر لطف داشت که به من کمک کرد شماره خود را پیدا کنم.

بهتر کردن

بهبود [imˈpruːv] v بهبود

بهبود چیزی به معنای بهتر کردن آن است.

hard او برای بهبود نمرات آزمون سال قبل سخت درس خواند.

عایق بندی کردن

insulate [ˈinsəleit] v عایق بندی کردن

عایق کاری به معنای محافظت از آن در برابر گرما ، سرما یا سر و صدا است.

→ افراد با عایق بندی خانه های خود می توانند در مصرف انرژی صرفه جویی کنند.

دسیسه

intrigue [inˈtriːg] v. دسیسه

فریب دادن به معنای علاقه به چیزی یا کسی است.

past گذشته مرموز او دوست جدیدش را شیفته خود کرد.

طول عمر

طول عمر [lɒnˈdʒevəti] n. طول عمر

طول عمر توانایی زندگی طولانی مدت است.

→ لاک پشت های دریایی طول عمر شگفت انگیزی دارند.

بی جا

misplace [misˈpleis] v

بی جا گذاشتن چیزی به معنای از دست دادن آن است.

... کیف پولم را جا به جا کردم و تا یک هفته بعد آن را پیدا نکردم.

شیطان

شیطان [ˈnɔːti] adj. شیطان

وقتی بچه ها شیطنت می کنند رفتار بدی دارند یا آنچه را که به آنها گفته می شود انجام نمی دهند.

→ پسر مجبور شد به اتاقش برود زیرا شیطنت می کرد.

هنجار

norm [nɔːrm] n. هنجار

هنجار شیوه ای از رفتار است که در یک جامعه خاص طبیعی تلقی می شود.

→ پوشیدن کت سنگین در تمام تابستان در صحرا عادی محسوب نمی شود.

اورانگوتان

orangutan [ɔ: ˈræŋuˈtæn] n. اورانگوتان

اورانگوتان یک میمون بزرگ با موهای قرمز و قهوه ای و بازوهای بلند است.

→ اورانگوتان ها از بازوهای بلند خود برای چرخش از درخت استفاده می کنند.

اضافه بار

اضافه بار [loadouvərˈloud] v

اضافه بار دادن چیزی به معنای قرار دادن چیزهای بیشتر از آن است که منظور نگه داشتن آن است.

→ اگر کامیون را بیش از حد بار کنید ، ممکن است خراب شود.

خیرخواهی

نیکوکاری [fiˈlænθrəpi] n. خیرخواهی

نیکوکاری عملی است که به دیگران کمک می کند ، بدون اینکه در عوض چیزی بخواهید.

owner صاحب مشاغل ثروتمند بخاطر کارهای خیرخواهانه خود مشهور است.

پویشگر

کاوش [proub] v کاوشگر

تحقیق در مورد چیزی به معنای پرسیدن سوال برای کشف حقایق در مورد آن است.

→ بانک تاریخچه مالی وی را جستجو کرد تا ببیند صلاحیت دریافت وام را دارد یا خیر.

گیرنده

گیرنده [riˈsipiənt] n گیرنده

گیرنده چیزی شخصی است که آن را دریافت می کند.

→ امروز گیرنده چهار تماس تلفنی بودم.

خزنده

reptile [ptreptail] n. خزنده

خزنده حیوان خونسردی است که تخمگذاری می کند و پوستی پوسته پوسته دارد.

→ مارمولک ها نوع خزنده مورد علاقه من هستند.

شکوفا شدن

thrive [θraiv] v. شکوفا شدن

رشد و نمو به معنای خوب انجام دادن و موفق ، سالم یا قوی بودن است.

may ممکن است او پیرمردی باشد ، اما همچنان به پیشرفت خود ادامه می دهد.

نهایی

ultimate [ˈʌltəmit] adj. نهایی

وقتی چیزی نهایی است ، نتیجه نهایی یا هدف مجموعه ای طولانی از وقایع است.

→ با تلاش زیاد در مدرسه ، به هدف نهایی خود یعنی دکتر شدن خواهم رسید.

بخت آزمایی

جو در حال تماشای تلویزیون بود که صدای دق شدن در را شنید. او فکر کرد ، "چه کسی می تواند باشد؟ احتمالاً یکی از بچه های شیطان محله است. " جو ایستاد و به سمت در رفت. وقتی آن را باز کرد ، زن زیبایی را دید.

او گفت ، "صبح بخیر ، جو! من خبر خوبی دارم شما دریافت کننده این چک یک میلیون دلاری هستید! شما برنده قرعه کشی شدید! "

جو باور نمی کرد ذهنش بیش از حد احساسات بود. جو گفت: "ممنون! متشکرم!"

جو بعد از اینکه آرام شد ، در صورت بی جا بودن چک اصلی ، از آن عکس تهیه کرد. او نشست و به این فکر کرد که با پول می خواهد چه کار کند. او نمی خواست آن را به روشی دلخواه خرج کند. جو فکر کرد ، "من می دانم که دیگران هستند که بیش از من به این پول احتیاج دارند. من همیشه حیوانات را دوست داشته ام ، بنابراین فکر می کنم برای باغ وحش چیزهایی می خرم! "

جو می دانست که باغ وحش در وضعیت نامناسبی قرار دارد. قفس ها خیلی کوچک بودند و از سرما عایق نبودند. حیوانات در چنین شرایطی نمی توانند رشد کنند.

مقداری لوازم التحریر بیرون آورد و نامه ای به باغ وحش نوشت. وی پیشنهاد داد به باغ وحش کمک کند تا قفس های بزرگی برای پستانداران بزرگ و خزندگان خریداری کند. وی پیشنهاد داد که برای اورانگوتان ها غذای سالم بخرد تا طول عمر آنها بیشتر شود. او حتی گفت که دیوارهای شیشه ای جدیدی را برای آکواریوم خریداری می کند زیرا دیوارهای قدیمی ترک خورده است.

عمل خیرخواهانه جو ، نگهبان باغ وحش را شیفته خود کرد. او جو را کاوش کرد تا بداند چرا پول خود را برای بهبود باغ وحش خرج کرده است. این یک قرارداد اجتماعی برای یک شخص نبود که چنین لطف کند.

جو به نگهبان حیوان وحش گفت: "من می دانم که این یک قاعده نیست ، اما تصمیم نهایی من برای کمک به این حیوانات بهتر از هر کاری است که می توانستم برای خودم انجام دهم. اگر هرگز زندگی نامه ای بنویسم ، خواهم نوشت که این روز خوشترین روز زندگی من بود. "